

زمینه‌های رشد اسلام‌هراسی ساختمانند در بریتانیا

کاووس سیدامامی*

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۲۰

سید محمدمهدی حسینی فائق**

تاریخ پذیرش: ۹۰/۰۶/۱۶

چکیده

اسلام‌هراسی معضلی است که در اشکال مختلف تبعیض، خشونت، طرد، توهین نمایان می‌گردد و گسترش روزافزون این معضل و پیامدهای آن تأثیرات زیانباری بر جوامع مسلمان کشورهای غربی داشته است. گسترش و رشد اسلام‌هراسی در برخی از حوزه‌ها نظیر رسانه‌ها یا سطوح رسمی و دولتی به دلیل دامنه نفوذ گسترده، توانمندی و تأثیرات عمیقی که دارند، نیازمند توجه و بررسی‌های جدی است. در بریتانیا مسلمانان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی هستند و از این رو، توجه به اسلام‌هراسی و پیامدهای آن در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله با بررسی اسلام‌هراسی در سطوح رسمی و دولتی بریتانیا تلاش کرده‌ایم تا پس از تعریف اسلام‌هراسی، مفهوم «اسلام‌هراسی ساختمانند» را در کانون تحلیل خود از موضوع قرار دهیم. بنابراین، سؤال و بررسی اصلی این مقاله چگونگی شکل‌گیری اسلام‌هراسی ساختمانند به ویژه پس از یازده سپتامبر است. مباحث در دو محور کلی ارائه شده است. نخست، اسلام‌هراسی ساختمانند در چارچوب‌های نظری و قانونی (با نگاهی به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و برخی از قوانین بریتانیا که به طور خاص با موضوع مذکور مرتبط هستند، نظیر قانون روابط نژادی و قوانین مبارزه با تروریسم) مورد بررسی قرار گرفته و سپس اسلام‌هراسی ساختمانند در چارچوب‌های عملی و اجرایی (نظیر اقدامات پلیس و سایر تهاذهای اعمال قانون و نیز تبعیض در اجرای قوانین ضد تروریستی) بحث شده است. مقاله در پی بیان این است که ساختار رسمی و قانونی بریتانیا، در بخش وضع و اجرای قوانین، نتوانسته به طور شایسته از حقوق مسلمانان (به عنوان یک اقلیت مذهبی) حمایت کند و در نتیجه این امر در سال‌های گذشته شاهد شکل‌گیری نوع خاصی از اسلام‌هراسی و تبعیض ضد مسلمانان بوده‌ایم که آن را تحت عنوان اسلام‌هراسی ساختمانند مفهوم‌سازی کردیم.

واژگان کلیدی

اسلام‌هراسی، اسلام‌هراسی ساختمانند، بریتانیا، قوانین ضد تروریسم، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

seyedemami@isu.ac.ir

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

h.faeigh@gmail.com

مقدمه

قرن بیست و یکم عصر آزادی و حقوق بشر و احترام به همه حقوق فردی تصور می‌شود و تمام سیاستمداران و رهبران سیاسی با افتخار بر حمایت و گسترش این اصول تأکید می‌ورزند. برای مسلمانانی که امروزه در اتحادیه اروپا و بریتانیا^۱ زندگی می‌کنند، باور این شعارها مشکل است؛ زیرا در عمل وضع به گونه‌ای دیگر است؛ آنان نه تنها از عملی شدن این شعارها به درستی بهره‌مند نمی‌گردند بلکه شاهدند که تبعیض و ناشکیبایی ضد آنان روزبه‌روز افزایش می‌یابد و اقدام موثری در جهت مقابله با آن اندیشیده نمی‌شود. نکته‌ای که ذکر آن در ابتدای بحث ضروری به نظر می‌رسد اینست که بریتانیا در میان کشورهای غربی یکی از کشورهایی است که مسلمانان در آن به نسبت از آزادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و مذهبی برخوردارند^۲ (منصوری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸) ولی با این همه در این کشور نیز شاهد گسترش اسلام‌هراسی هستیم. هدف از طرح بحث حاضر نفی آزادی‌هایی که مسلمانان در بریتانیا از آن برخوردارند نیست^۳ بلکه در پی بررسی وضعیتی هستیم که مسلمانان بریتانیا (به طور عمده تحت تأثیر سیاست‌های رسمی و قانونی - به طور عمدی یا غیرعمدی) با آن روبه‌رو هستند. طرح مباحث مربوط به وجود و گسترش اسلام‌هراسی در بریتانیا، با توجه به تأکید فراوان مسئولان و جامعه این کشور بر مفاهیمی مانند تساهل، چندفرهنگ‌گرایی، حقوق بشر، احترام به حقوق اقلیت‌ها، آزادی بیان و عقیده و مقایسه این شعارها با وضعیت فعلی مسلمانان در بریتانیا صورت گرفته است.^۴ شواهد زیادی در مورد وجود اسلام‌هراسی در بریتانیا به واسطه نظرسنجی‌های معتبر سازمان‌های مختلف اسلامی و غیراسلامی در دست است^۵ و پدیده مذکور، به‌ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، به طور واضح در سطح جامعه قابل مشاهده بوده است (Marranci, 2004, p.105). اسلام‌هراسی در بریتانیا در سه حوزه نمود بیشتری دارد: (الف) بخش دولتی و رسمی، (ب) رسانه‌ها، و (ج) فضای عمومی. البته می‌توان گفت که دو حوزه اول در گسترش اسلام‌هراسی در فضای عمومی نقش بسیار کلیدی دارند و وجود اسلام‌هراسی در فضای عمومی جامعه به طور قابل ملاحظه‌ای متأثر از دو عامل نخست است.^۶

سؤال اصلی این مقاله درباره بررسی نقش نهادهای رسمی و دولتی بریتانیا در گسترش اسلام‌هراسی است که در این میان تمرکز ویژه‌ای بر قوانین و نوع اجرای آن‌ها به عمل آمده است. اهمیت بررسی این مطلب از آنجایی که با توجه به نقش انکارناپذیر دولت در مدیریت بخش‌های مختلف جامعه، به نظر می‌رسد یکی از قدرتمندترین نهادهای مقابله با گسترش اسلام‌هراسی بخش دولتی و رسمی باشد و اقدامات اسلام‌هراسانه هنگامی حالت جدی‌تری به خود می‌گیرد که با سکوت یا پذیرش ضمنی دولت همراه باشد. اگر دولت برای مقابله با اسلام‌هراسی اقدام جدی به عمل نیاورد و نسبت به اقدامات اسلام‌هراسانه در سطوح مختلف جامعه بی‌تفاوت باشد، اسلام‌هراسی روندی روبه‌رشد خواهد داشت و تأثیرات آن در جامعه بیشتر خواهد بود. این مقاله ضمن ارائه تعریفی از اسلام‌هراسی و معرفی مفهوم «اسلام‌هراسی ساختمان‌دو»^۷ در پی بررسی نقش حوزه رسمی و دولتی در گسترش اسلام‌هراسی است. مباحث در دو محور ارائه شده است: نخست، قوانینی^۸ که در اسلام‌هراسی نقش دارند (یا به نوعی بر زندگی مسلمانان مؤثرند) و سپس پیاده شدن این قوانین و رویه‌ها در عرصه عمل و در مرحله اجرا.

۱. اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی که در زبان انگلیسی «Islamophobia» خوانده می‌شود از ترکیب دو کلمه اسلام (Islam)، حرف ما بعد کلاسیک O و کلمه فوبیا (phobia) به معنای ترس یا بی‌زاری نامعقول از چیزی تشکیل شده است. اسلام‌هراسی ترسی واهی در میان سیاستمداران و افراد عادی است، مبنی بر اینکه دنیای اسلام به‌طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای غربی به‌طور اخص منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی تلقی می‌شوند. این ترس نامعقول و واهی از اسلام و مسلمانان به ناشکیبایی ضد مسلمانان کشورهای غربی دامن زده است. البته باید توجه داشت که هرچند کاربرد این واژه به چند دهه اخیر باز می‌گردد،^۹ بحث اسلام‌هراسی پیشینه‌ای تاریخی دارد و در پس‌زمینه آن علل مختلف تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی و روان‌شناختی وجود دارد. به‌طور کلی اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر

مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد؛ یک دین خشونت‌بار، متحجر و نابردبار است و تمدن اسلامی نسبت به تمدن غربی در درجه پایین‌تری قرار دارد. بر این اساس، مسلمانان همواره تهدیدکننده ارزش‌های ملی و فرهنگ غربی معرفی می‌شوند.^{۱۰} شکل‌گیری فضای ضد اسلامی ضد مسلمانان در کشورهای غربی (که توسط احزاب راست افراطی و رسانه‌ها تقویت می‌شود) منجر به سخت شدن شرایط زندگی برای مسلمانان شده و بدیهی است که این فضا زمینه را برای اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان بیشتر می‌کند. امروزه این فضای ضد اسلامی تا حدی پیش‌رفته که در برخی از پژوهش‌ها اسلام‌هراسی به عنوان یک شکل از عدم تساهل در کنار بیگانه‌هراسی^{۱۱} و یهودستیزی^{۱۲} شناخته شده است (Roald, 2004, p.53). دیگری اسلام‌هراسی را شکل جدیدی از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز مانند یهودی‌ستیزی، از سنخ بیگانه‌ترسی، نژادپرستی و عدم تساهل است (Johnson et al., 1998, p.182). در مجموع، می‌توان گفت که اسلام‌هراسی واژه‌ای با اشکال بسیار متفاوت است که در سه حوزه عمومی، رسانه‌ای و دولتی رخ می‌دهد و برآیند همه اشکال و پیامدهای آن اعمال پیش‌داوری و تبعیض ضد مسلمانان، تجاوز به حقوق آنان، برخورد فیزیکی، توهین لفظی، بی‌حرمتی به مقدسات، تبعیض سازمان‌یافته، و نادیده‌انگاری و بیگانه‌انگاری مسلمانان است.

۲. اسلام‌هراسی ساختمانند

مفهوم اسلام‌هراسی ساختمانند را از طریق قرینه‌سازی با مفهوم نژادگرایی ساختمانند ساخته‌ایم. دیگر مفاهیم مرتبط با نژادگرایی ساختمانند عبارت‌اند از: نژادگرایی نظام‌مند (Cashmore, 2008, p.416) و نژادگرایی نهادی (Cashmore, 2008, p.204). نژادگرایی ساختمانند را «استاکلی کارمایکل»^{۱۳} در دهه ۱۹۶۰ میلادی برای وجود نوعی از تبعیض نژادی در ایالات متحده به کاربرد که به واسطه عملکرد نهادهای دولتی، سازمان‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی اثرگذاری چون نهادین و آموزش و پرورش در جامعه شکل می‌گیرد. مهم‌ترین پیامد این‌گونه نژادگرایی کوتاهی جمعیتی یک سازمان در ارائه خدمات تخصصی و مناسب برای مردم به سبب رنگ پوست، نژاد، یا فرهنگ آنان

است. بنابراین نژادگرایی ساختمانند دلالت بر این دارد که یک نظام در سیاست‌های عمومی، فعالیت‌های سازمانی، نمودهای فرهنگی، و دیگر هنجارها در ارتباط با گروه‌های مختلف شهروندان به واسطه تفاوت‌های نژادی به‌گونه‌ای متفاوت برخورد می‌کند و زمینه را برای تقویت و پایدار ساختن بی‌عدالتی و تبعیض ضد گروه‌های نژادی یا قومی فراهم می‌سازد.^{۱۴}

هنگامی که اقدامات اسلام‌هراسانه و تبعیض‌آمیز در سطوح رسمی و دولتی رخ دهد و فراتر از اقدامات احزاب نژادپرست، افراطیون و گروه‌های ضدم هاجران باشد، توجه و بررسی آن اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند، زیرا از رخ‌دادن شکلی از اسلام‌هراسی حکایت دارد که تأثیر آن بر وضعیت مسلمانان شدیدتر از حوزه‌های دیگر است. در مورد نقش دولت و نهادهای رسمی در گسترش اسلام‌هراسی دو حالت قابل فرض است: نخست اینکه دولت به صورت سازمان‌یافته و هدفمند به مقابله با اسلام و مسلمانان پردازد و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را از این طریق گسترش دهد. در این حالت دولت و نهادهای رسمی با وضع قوانین ضد مسلمانان به طور آشکار با آنها مقابله می‌کنند و در ساختارهای دولتی و رسمی هم شرایطی ایجاد می‌شود که در نتیجه آن مسلمانان مورد تبعیض قرار می‌گیرند. شکل دوم (که در این مقاله مد نظر است) بدین‌گونه است که دولت به شکل آشکار ضد مسلمانان قانون وضع نمی‌کند و در رویه‌های سازمانی و رسمی هم ساختار آشکاری وجود ندارد که در آن مسلمانان مورد تبعیض قرار گیرند، اما از طرف دیگر، در نتیجه وضع یا اجرای برخی قوانین (به طور غیررسمی و حتی شاید ناخواسته) مسلمانان در معرض فشار و تبعیض قرار می‌گیرند و با این وجود نهادها و ساختارهای دولتی تمهیدات لازم را برای حفظ و تأمین حقوق مسلمانان (به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی) فراهم نمی‌کنند. به‌طور کلی شکست، ناتوانی و قصور جمعی سازمانی در ارائه خدمات مناسب و لازم به اقلیت مسلمان به سبب ریشه دینی، نژادی یا فرهنگی آنان اسلام‌هراسی ساختمانند نامیده می‌شود که در نتیجه آن پیش‌داوری، تبعیض و نادیده‌انگاری حقوق مسلمانان گسترش می‌یابد.

اسلام‌هراسی ساختمانند شکلی از اسلام‌هراسی است که نتایج آن فراتر از اقدامات گروهی از نژادگرایان و احزاب راست افراطی می‌رود؛ زیرا نفوذ و قدرت دولت و

ساختارهای دولتی بسیار گسترده و فراگیرتر از این گروه‌هاست و هر مسلمان ساکن بریتانیا به‌نوعی با این ساختارهای سازمانی و قانونی دولتی در ارتباط است. البته باید توجه داشت اسلام‌هراسی ساختمانده می‌تواند زمینه را برای حرکت به سمت اسلام‌هراسی آشکار فراهم نماید. مسیر مذکور در شکل زیر نمایش داده شده است:^{۱۵}



در فضای فعلی جامعهٔ بریتانیا به رغم وجود قوانین بازدارندهٔ تبعیض، چگونگی تفسیر قوانین و نحوهٔ عملکرد دستگاه‌های پلیسی و قضایی بریتانیا، منجر به شکل‌گیری نوعی اسلام‌هراسی ساختمانده در بریتانیا شده است. در این شرایط، اظهارات برخی از مقامات رسمی (که به بهانهٔ مقابله با افراط‌گرایان در اظهارات خود اسلام و مسلمانان را متهم به تشویق تروریسم می‌نمایند)، اوضاع را پیچیده‌تر می‌نماید. برای مثال تونی بلر در سخنرانی خود در همایش ملی حزب کارگر در ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۵ «عقاید بربری»^{۱۶} مسلمانان افراطی را این‌گونه برمی‌شمرد: حذف اسرائیل، حذف غربی‌ها از کشورهای اسلامی، عدم توجه به مردم و دولت، تأسیس دولت طالبان و برقراری احکام شریعت و احیای خلافت اسلامی برای همه ملت‌های مسلمان.^{۱۷} البته همان‌طور که خاطر نشان شد، این اظهارات و دشمنی آشکار در قوانین و رویه‌های سازمانی به‌طور آشکار تجلی نیافته است، اما با توجه به وضعیت فعلی اگر راهکاری برای مقابله با آن اندیشیده نشود، این امر زیاد دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد. در ادامهٔ بحث به بررسی قوانین و نحوهٔ اجرای آن‌ها می‌پردازیم تا نقش دولت و ساختارهای قانونی در اسلام‌هراسی (که اسلام‌هراسی ساختمانده نامیده شد) مشخص شود.

۲-۱. اسلام‌هراسی ساختمانند: بررسی قوانین

۲-۱-۱. قانون روابط نژادی

سابقه استعماری بریتانیا در کشورهای اسلامی سبب مهاجرت بسیاری از مسلمانان به این کشور شد. در سال‌های آغازین این مهاجرت‌ها، مسلمانان به عنوان نیروی نظامی، یا کارمند (و مشاغلی از این دست که به نوعی با دولت بریتانیا در ارتباط بوده) به این کشور مهاجرت کردند بدون اینکه حس دشمنی خاصی نسبت به بریتانیا داشته باشند. پس از جنگ جهانی دوم و با توجه به نیاز بریتانیا به نیروی کار برای بازسازی خرابی‌های جنگ و بهبود اوضاع اقتصادی، ورود مهاجران مسلمان به بریتانیا تشدید شد. هدف بیشتر مهاجران این بود که سرمایه‌ای جمع کرده و پس از مدتی به کشورهای خود بازگردند (Fetzer & Soper, 2005, p.26). در سال ۱۹۴۸ «قانون ملیت بریتانیایی»^{۱۸} تصویب شد. بر اساس این قانون، مهاجران کشورهای مشترک‌المنافع امکان دسترسی به کلیه حقوق و شهروندی بریتانیایی را پیدا کردند.^{۱۹} با تصویب این قانون، مهاجران کشورهای مشترک‌المنافع نه بیگانه محسوب می‌شدند و نه جزو مهاجران بودند بلکه می‌توانستند از کلیه حقوق شهروندان انگلیسی بهره‌مند شوند (Adolini, 1998, p.25). بر این اساس، ۸۰ میلیون نفری که تحت امر امپراتوری بریتانیا بودند، اجازه ورود و اسکان در بریتانیا را یافتند (Joppke, 1998, p.287). در سال‌های اولیه تصویب قانون ۱۹۴۸ مشکلی ایجاد نشد و فقط شورش‌های ضد مهاجرتی محدودی در اواخر دهه ۱۹۴۰ اتفاق افتاد. اما با وقوع شورش‌های ضد مهاجرت در دهه ۱۹۶۰، نگرانی‌ها افزایش یافت. در سال ۱۹۶۲ قانون مهاجرت در کشورهای مشترک‌المنافع^{۲۰} توسط گروهی از حزب محافظه‌کار و حزب کارگر تصویب شد که این قانون هم کسب شهروندی بریتانیا و هم ورود اتباع کشورهای مشترک‌المنافع به بریتانیا را مشکل می‌ساخت. ایناک پاول^{۲۱} در سال ۱۹۶۸ سخنرانی تندی با عنوان «رودهای خون» انجام داد و خواستار پایان یافتن مهاجرت غیرسفیدها به بریتانیا شد.^{۲۲} هر چند که محافظه کاران پس از این سخنرانی وی را از دولت سایه اخراج کردند، اما این سخنرانی موضوع مهاجران را در بریتانیا پررنگ کرد (Spencer, 1997, p.142) و سیاست‌های جدیدی برای کاهش میزان مهاجرت اتخاذ گردید. بالاخره در بریتانیا نیز همانند سایر

کشورهای اروپای غربی، قوانین سخت‌گیرانه‌ای در مورد پذیرش مهاجران وضع شد (Money, 1999, pp.66-68). تدوین قوانین مهاجرتی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ چند تأثیر عمده بر روی جامعه بریتانیا داشت:

- با این قوانین بحث‌هایی جدی در مورد هویت و نژاد بریتانیایی مطرح شد؛
- بحث‌های هویت نژادی زمینه را برای طرح گفتمان‌های نژادپرستانه و ظهور احزاب افراطی مهیا کرد؛
- احزاب پارلمانی برای کسب موفقیت گرایش‌های دست راستی پیشه کردند (لوییس، ۱۳۷۶، ص ۱۶۰).

زمینه‌های اولیه وضع سیاست‌های کنترل مهاجرت‌ها در بریتانیا برخاسته از مباحث نژادی بود و با وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر مهاجرتی عملاً از مهاجرت رنگین‌پوستان از آفریقا، کارائیب و شبه‌قاره هند به بریتانیا جلوگیری می‌شد، درحالی‌که بسیاری از این افراد طبق قانون سال ۱۹۴۸ از اتباع بریتانیا محسوب می‌شدند. با افزایش حضور مهاجران در جامعه بریتانیا، نوعی حساسیت ضد آنان برانگیخته شد و موجب فعال شدن گروه‌های نژادپرست، افراطی و ضد مهاجران شد. در این شرایط نژادگرایی که پیش از این حول محور مقابله و برخورد با رنگین‌پوست‌ها (به عنوان اقلیت) در جریان بود، دچار یک تحول اساسی گشت. به عبارتی، پیش از ورود عمده مهاجران آسیایی (و مسلمانان)، تمرکز گروه‌های نژادپرست بر روی رنگ پوست بود و به طور خاص با سیاه‌پوستان و حضور آنان در جامعه بریتانیا مقابله می‌کردند. پس از جنگ جهانی و ورود سیل عظیم مهاجران آسیایی توجه به مسئله نوع «نژاد» و نژادهای غیرسفید جلب گردید (نگاهی که هنوز آثار آن در بحث سرشماری و آمارگیری بریتانیا موجود است)^{۲۳} و توجهات نژادگرایانه از رنگ پوست به نوع نژاد تغییر یافت.^{۲۴} دولت برای رفع این مشکل در سال ۱۹۷۶ قانون روابط نژادی^{۲۵} را تصویب کرد^{۲۶} و بر اساس آن هرگونه تبعیض بر مبنای نژاد یا قومیت ممنوع گردید و بدین منظور کمیسیون برابری نژادی^{۲۷} تشکیل شد تا بر اجرای صحیح این قانون نظارت کند. اما مشکلی که برای مسلمانان در بهره‌گیری از این قانون وجود داشت، این بود که تبعیض بر اساس مذهب را مورد توجه قرار نداده و از آنان در مقابل تبعیض‌های مذهبی حمایتی نکرده بود.^{۲۸} مسلمانان

از دیدگاه این قانون یک گروه نژادی نیستند و برای بهره‌گیری از این قانون و دفاع از حقوق خود در مقابل تبعیض مجبورند ثابت کنند که به عنوان یک گروه نژادی (نه به عنوان یک مسلمان) مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، یک مسلمان بر اساس قانون یادشده می‌تواند به عنوان یک آسیایی از تبعیض‌هایی که ضد او روا داشته شده، شکایت کند، اما به عنوان یک مسلمان شکایت او قابل پیگیری نیست؛ زیرا قانون دربارهٔ مقابله با تبعیض مذهبی راهکاری را ارائه نکرده و به نظر می‌رسد دولت نسبت به هویت مذهبی مسلمانان بی‌تفاوت بوده است.^{۲۹} البته بخشی از علت این امر به خود مسلمانان باز می‌گشت؛ زیرا از آنجاکه مسلمانان قصد اقامت دائم در بریتانیا را نداشتند، ترجیح می‌دادند که برای اجتناب از به وجود آمدن مشکلات احتمالی با دولت و جامعهٔ بریتانیا، جنبه‌های مذهبی هویت خود را چندان برجسته نکنند^{۳۰} (Ramadan, 1999, p.113). هر چند که در نسل‌های بعدی پنهان نمودن جنبهٔ مذهبی غیرممکن شد، قانون همچنان در این زمینه انعطافی نشان نداد. با گذشت زمان، دولتمردان همچنان سرسختانه با گنجاندن تبعیض مذهبی در قانون روابط نژادی مخالفت کردند. در تحقیقی که در سال ۱۹۹۹ برای بررسی تبعیض مذهبی توسط وزارت کشور^{۳۱} با عنوان «گزارش دربی»^{۳۲} انجام شد، خاطر نشان شده بود که مسلمانان با تبعیض‌های فراوان در بخش‌های آموزش، اشتغال، مسکن، قانون و تمام خدمات دولتی که نیاز به تکمیل پرسش‌نامه دارند، روبه‌رو هستند. در این گزارش به دولتمردان توصیه شده بود تا قوانین جدیدی برای رفع تبعیض ضد مسلمانان تصویب کنند (Weller et al., 2004, p.103). در سال ۲۰۰۰ لرد احمد^{۳۳} لایحه‌ای را برای الحاق به قانون روابط نژادی پیشنهاد داد که بر اساس آن از تبعیض‌های مذهبی جلوگیری شود، اما دولت حزب کارگر با این توجیه که در قانون حقوق بشر ۱۹۹۸^{۳۴} حمایت کافی از مسلمانان به عمل آمده است با الحاق این لایحه مخالفت کرد (Fetzer & Soper, 2005, p.32).

در ادامهٔ بحث به بررسی کلی حقوق بشر در اروپا و جایگاه مسلمانان در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، که همهٔ کشورهای اتحادیه اروپا از جمله بریتانیا متعهد به آن هستند، می‌پردازیم تا میزان حمایت آن از حقوق مسلمانان و کاستی‌های آن مشخص گردد.

۲-۱-۲. حقوق بشر در اروپا

در اروپای پس از جنگ جهانی دوم حقوق بشر و آزادی‌های اساسی محور اصلی تحولات سیاسی بوده‌اند. شورای اروپا یکی از نهادهایی است که از جمله وظایف اصلی آن موضوع حقوق بشر است، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور اجتماعی اروپا از ابزارهای قانونی نظم عمومی اروپا در این دوران به شمار می‌روند. اتحادیه اروپا بعد از جنگ سرد حقوق بشر را به یکی از مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی خود بدل ساخته است. با اجرای پیمان ماستریخت، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به شرط اساسی عضویت در اتحادیه اروپا مبدل شده است، به طوری که نقض جدی و دائمی آن می‌تواند به تعلیق عضویت کشور مورد نظر منجر شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر یکی از اهداف سیاست خارجی و سیاست امنیتی مشترک اتحادیه اروپا به شمار می‌رود (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱). منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا که در شهر نیس در ۲۰۰۰ منتشر شد، برای اولین بار در تاریخ اتحادیه اروپا و در یک متن واحد انواع حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شهروندان اروپایی و تمامی افراد ساکن در این اتحادیه را تعیین کرد. شرایط مطرح شده در این منشور نهادهای اتحادیه را مخاطب قرار می‌دهد. هر گونه اقدام کمیسیون اروپا در زمینه روابط خارجی با توجه به حقوق و اصول مذکور در منشور انجام می‌شود (خطیبی، ۱۳۸۶، صص ۴۳-۴۵).

حقوق بشر، مردم‌سالاری و حاکمیت قانون ارزش‌های بنیادین اتحادیه اروپا هستند و این موضوع در تمام معاهده‌های اتحادیه اروپا مد نظر قرار گرفته و بیان شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۳۵} مقرر می‌کند که همه در برابر قانون برابرند و عادلانه استحقاق برخورداری از حمایت قانون را دارند (UDHR, Article 7). ماده دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۳۶} (ICCPR) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۳۷} دولت‌ها را موظف می‌سازد که بدون تمایزگذاری از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، باور سیاسی و دیگر باورها، خاستگاه ملی و اجتماعی، مالکیت، تولد و دیگر شئون (ICCPR, Article 2; ICESCR, Article 2)، به حقوق مطرح شده در این اسناد احترام بگذارند. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در بردارنده موارد مشابه است.

ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام و مقرر می‌کند که قانون باید مانع هرگونه تبعیض شود و برای همه اشخاص حمایت برابر و مؤثر در مقابل تبعیض در هر زمینه‌ای، مانند نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، باور سیاسی و دیگر باورها، خاستگاه ملی و اجتماعی، مالکیت، تولد و دیگر شئون را تضمین کند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل اشاره کرده است که ماده ۲۶ هم تبعیض در قانون را منع می‌کند و هم در مورد دوم، حقوق سیاسی، مانع از اقدامات مقامات دولتی و شخصیت‌های خصوصی و گروه‌ها می‌شود. این کمیته همچنین اشاره دارد که اجرای اصل عدم تبعیض مندرج در این ماده فقط به حقوقی که در میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی آمده است، محدود نمی‌شود. منشور اروپایی حقوق بنیادین، که به هنگام به اجرا در آمدن قانون اساسی جدید اتحادیه اروپا برای دولت‌های عضو این اتحادیه لازم خواهد شد، نیز همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دربردارنده منع کلی تبعیض است. ماده ۴ اعلامیه رفع هرگونه عدم تساهل و تبعیض بر اساس دین یا باور (اعلامیه عدم تساهل و تبعیض دینی)، که در سال ۱۹۸۱ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، از دولت‌ها می‌خواهد که در جهت شناسایی، اجرا و بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در همه حوزه‌های حیات مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات مؤثری برای جلوگیری و رفع تبعیض بر اساس دین و باور به عمل آورند. افزون بر این، از دولت‌ها خواسته شده است همه تلاش خود را برای منع این تبعیض به عمل آورند، قوانینی را لغو یا تصویب کنند، و اقدامات مناسب را برای مبارزه با عدم تساهل در حوزه دین یا باور مبذول دارند. دولت‌های عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا بارها خود را به احترام بدون تمایز به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز تضمین حمایت در مقابل تبعیض متعهد ساخته‌اند.^{۳۸} کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ تصویب و در سال ۱۹۵۳ اجرایی شد. کنوانسیون در مقدمه، با اشاره به اعلامیه جهانی حقوق بشر و با در نظر گرفتن اینکه دولت‌های اروپایی هم‌فکرند و دارای میراث مشترک و سنت‌های سیاسی، عقیدتی، آزادی‌خواهی و حکومت قانون هستند، اعلام می‌دارد که این کنوانسیون نخستین گام در اجرای دسته‌جمعی برخی حقوق اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر است. کنوانسیون

شامل فهرستی از حقوق و آزادی‌های اساسی است که دولت‌ها بر اساس این کنوانسیون رعایت و حفظ آن را به طور همگانی تعهد داده و ضمانت می‌کنند. بر اساس این کنوانسیون، رعایت حقوق و آزادی‌های اساسی در دادگاه‌ها و محاکم قضایی، حق حیات، منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی، آزادی و امنیت، دادگاه‌های عادلانه، احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، پاسخگویی، آزادی بیان، اندیشه و مذهب باید به رسمیت شناخته شده و حمایت گردد. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده است و دولت‌های اروپایی با تصویب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در واقع حقوق اساسی ذکر شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را در قالب قرارداد بین خود درآوردند و سازوکار اجرایی خاصی نیز برای آن در نظر گرفته‌اند.

ماده یک کنوانسیون اعلام می‌کند که دولت‌های امضاکننده این کنوانسیون برای همه افرادی که در حوزه صلاحیت آن‌ها قرار دارند، حقوق و آزادی‌های ذکر شده در بخش «یک» این کنوانسیون را تضمین می‌کند. از جمله این حقوق می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

منع شکنجه و مجازات غیرانسانی (ماده ۳)، منع بردگی، استثمار و کار اجباری (ماده ۴)، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بازداشت شخصی جز به علت قانونی و به وسیله مقامات با صلاحیت، اعلام علت بازداشت و تحویل سریع به مقامات قضایی، حق اعتراض به بازداشت غیرقانونی به دادگاه، حق مطالبه خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت (ماده ۵) علنی و عادلانه بودن محاکمات و اعلان رای به صورت علنی (ماده ۶) و اصل قانونی بودن جرم و مجازات و عطف به موارد گذشته، نشدن قانون (ECHR, article 7).^{۳۹} حق آزادی فکر، عقیده، تغییر مذهب، آزادی بیان، تشکیل اجتماعات و شرکت در آن‌ها در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ پیش‌بینی شده و در ماده ۱۴ تصریح شده که برخورداری از حقوق اعلام شده در کنوانسیون بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث رنگ پوست، نژاد، مذهب، زبان و ملیت اجرا می‌شود.

دو نوع محدودیت در ارتباط با حقوق مندرج در کنوانسیون برای هر دولت ذکر شده است: یکی محدودیت‌هایی است که هر دولت طبق قانون برای رعایت نظم عمومی و امنیت جامعه و حفظ سلامتی و اخلاق جامعه در خصوص آزادی بیان،

اجتماعات و اظهار مذهب می‌تواند برقرار نماید که در مواد ۹، ۱۰ و ۱۱ ذکر شده است، و دیگری حق انصراف یا در واقع خودداری از اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون است که دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌توانند از آن استفاده نمایند (ماده ۱۵).

در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر فقط یک بند با تبعیض مذهبی مخالفت می‌کند و آن‌هم ماده ۱۴ است (ECHR, article 14).^{۴۱} در عین اینکه کنوانسیون کوشیده تا از لحاظ نظری امکان حفظ حقوق بشر و آزادی را به رسمیت بشناسد اما محقق شدن این موارد در عرصه عملی و اجرایی با مشکلاتی روبه‌روست که این مشکلات از یک سو به رویه‌های دولت‌ها و میزان پایبندی آن‌ها به کنوانسیون بازمی‌گردد و از سوی دیگر به بندهای خود کنوانسیون مربوط می‌شود. بر اساس ماده ۱۵ امکان نادیده گرفتن تعهدات دولت‌ها ممکن است و دولت‌ها می‌توانند در شرایط جنگ یا هر وضعیت اضطراری دیگر از انجام مواردی که متعهد شده‌اند، سرباز زنند (درحالی که برخی بندها تحت هر شرایطی - حتی شرایط اضطراری - قابل اجرا هستند)^{۴۱} و ماده ۱۴ از این میان مستثنی نشده است. ماده ۱۵ از نگاهی دیگر بدین معنی است که مقابله با تبعیض، که در ماده ۱۴ آمده است، در اولویت‌های نخست دولت‌های اروپایی نیست و دولت‌ها تحت شرایط خاص^{۴۲} ضمن سلب تعهد از پاسخگویی در این زمینه، می‌توانند از حق دادگاه عادلانه، تضمین آزادی و امنیت برای شهروندان، فراهم نمودن آزادی در اندیشه و عمل، آزادی بیان و اجتماعات و حق ازدواج و حق داشتن خانواده و مواردی از این دست سر باز زنند، درحالی که هدف از وضع قوانین مذکور این است که به قربانیان تبعیض کمک کند و حقوق شهروندان را به رسمیت بشناسد. به عبارتی، از لحاظ نظری ماده ۱۴ و ۱۵ بیانگر نوعی سردرگمی در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. از یک سو ماده ۱۴ چنین حقوقی را به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر بر اساس ماده ۱۵ به نوعی راه را برای عدم تعهد به انجام چنین مسئولیت‌ها و تکالیفی باز کرده است.^{۴۳}

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد مسائل اساسی مربوط به جامعه مسلمانان، سیاست‌های پناهندگی، کنترل مهاجرت و همکاری‌های پلیسی با حفظ حریم خصوصی افراد سکوت کرده و کمیسیون اروپایی حقوق بشر^{۴۴} و دادگاه اروپایی حقوق بشر^{۴۵}

مبنایی برای قضاوت درباره این مسائل ندارند. باید این نکته را ذکر کنیم که کنوانسیون با وجود اینکه حقوق گروه‌هایی مانند هم‌جنس‌گرایان و طرفداران سقط‌جنین را به رسمیت شناخته، اما به حقوق مسلمانان (به طور خاص) به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی (در بیشتر کشورهای اروپایی) توجهی نکرده است. در نتیجه بسیاری از شکایات مسلمانان اصولاً بر اساس قوانین مذکور قابل طرح در کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیست. بر اساس گزارش «کمیسیون حقوق بشر اسلامی»^{۴۶} آماری که در سال ۱۹۹۳ به دست آمده، از میان بیش از ۲۰۰۰ موردی که به کمیسیون اروپایی حقوق بشر گزارش داده شده، ۱۴۵۰ مورد قابل طرح در کمیسیون تشخیص داده نشده‌اند و از ۲۵۰ شکایتی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند، فقط ۴۱ شکایت در مرحله دادرسی و دادگاه مطرح شده‌اند که بر اساس این گزارش تاکنون موردی درباره تبعیض مذهبی (که در ماده ۱۴ آمده است) در دادگاه اروپایی حقوق بشر یا دیوان عدالت اروپایی به نتیجه نرسیده است (Ishaq^{۴۷}, 1999, p.3). برای نشان دادن ناکارآمدی این کنوانسیون، علاوه بر موارد یادشده، مسائل زیر را باید در نظر داشت:

تأمین هزینه زیاد دادرسی‌ها برای شهروندان معمولی بسیار مشکل است. شاکیان حدود ۵ سال در فهرست انتظارند تا شکایت آن‌ها بررسی شود^{۴۸} (Ishaq, 1999, p.3). به نظر می‌رسد که به طور شایسته‌ای دادرسی و احقاق حقوق مسلمانان صورت نگرفته و قانون‌گذاران اروپایی در به رسمیت شناختن برخی حقوق برای مسلمانان (حقوق دینی و مذهبی) کوتاهی و غفلت نموده‌اند و شاید این منصفانه باشد که بگوییم در قوانین و نظام قضایی اروپا راهکارهای مؤثری برای مقابله با اسلام‌هراسی وجود ندارد.

۲-۱-۳. قانون مبارزه با تروریسم

پس از ناآرامی‌های شمال در سال ۲۰۰۱ و آغاز مبارزه با تروریسم و در نتیجه سیاست‌های دولت، نوعی ترس از اقلیت مسلمان ساکن در جامعه بریتانیا به وجود آمد.^{۴۹} به گفته «کاندانی»^{۵۰} در گزارش «همبستگی اجتماعی»^{۵۱} پس از ناآرامی‌های شمال دولتمردان در سطوح مختلف کوشیدند مقصری برای این وقایع پیدا کنند و در این میان مسلمانان به عنوان مقصر اصلی معرفی شدند.^{۵۲} در همین مقطع لایحه مبارزه

با تروریسم با شتاب فراوان به مجلس فرستاده شد، که بر اساس آن این اجازه به دولت داده می‌شد که بدون هیچ دلیل قانونی بتواند کلیه اتباع خارجی را که مظنون به تروریسم هستند، بازداشت کند. دولت بریتانیا باید برای اجرایی کردن این قانون به نوعی ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۵۳} را نادیده می‌گرفت (به استناد اینکه در شرایط جنگ و شرایط اضطراری قرار دارد که در این وضعیت امنیت اجتماعی و زندگی اتباع آن به خطر افتاده است) و دولت بریتانیا برای خروج از ماده ۵ به ماده ۱۵ متوسل شد^{۵۴} (Abbas, 2007, p.293). یکی از دلایل این اقدام دولت بریتانیا^{۵۵} و واکنش‌های سخت‌گیرانه پس از آن شاید این بود که بریتانیا در اخبار رسانه‌ها و بازتاب گزارش‌ها در مورد همراهی رهبران گروه‌های رادیکال اسلامی^{۵۶} با القاعده، بهشت تروریست‌ها نامیده می‌شد.^{۵۷}

پس از تصویب قانون مبارزه با تروریسم در سال ۲۰۰۱ و حوادث تروریستی یازده سپتامبر، مسلمانان در معرض فشارهای بی‌سابقه‌ای از سوی دولت بریتانیا، نیروهای پلیس و سایر نهادهای دولتی قرار گرفتند. قوانین ضد تروریستی سخت‌گیرانه نظیر دستگیری و بازداشت بدون رعایت مراحل قانونی، اجرای سیستم‌های نظارتی و کنترلی، بازداشت‌های خانگی و مسائلی از این دست که عموماً تا پیش از این در زیمباوئه یا برمه قابل مشاهده بود، از آن پس در بریتانیا اتفاق می‌افتاد. ایست و بازرسی‌های روزانه که طی آن مسلمانان بی‌گناه دستگیر می‌شوند و معرفی مسلمانان به عنوان یک دشمن نفوذی^{۵۸} و همه این‌ها از یک سو و پوشش گسترده رسانه‌ها که اغلب جهت‌دار و مغرضانه است^{۵۹} از سوی دیگر، فضایی را ایجاد کرده که به این اقدامات متعصبانه و نابردبارانه مشروعیت می‌بخشد. البته بخشی از فضای اسلام‌هراسانه جامعه و دولت بریتانیا از حملات تروریستی هفتم ژوئیه ناشی می‌شود، که در آن مسلمانان، حتی با وجود محکوم کردن حوادث تروریستی، متهم اصلی قلمداد شدند. به‌هرحال، نوعی هم‌افزایی در این فرایند وجود دارد (از یک سو اقدامات افراط‌گرایان مسلمان و از سوی دیگر اقدامات دولت بریتانیا) که نتیجه این هم‌افزایی، شدت یافتن فشار و تبعیض ضد مسلمانان است. این افزایش فشارها و سخت‌تر شدن شرایط زندگی مسلمانان با تصویب قانون جدید ضد تروریسم در سال ۲۰۰۶ تجلی عینی یافته است. این قانون

ضمن تأیید برخی مسائل غیرمنطقی قانون قبلی، درصدد محدود کردن هرچه بیشتر آزادی‌های مدنی و فردی برآمده است. بعد از تصویب قانون ضد تروریسم و افزایش قدرت دولت در دستگیری افراد بدون دلیل و مدرک قانونی و صرفاً با اتهام مظنون بودن به تروریسم، ترس و وحشت در میان اقلیت مسلمان افزایش یافت. ایست و بازرسی‌های روزانه (که عموماً مسلمانان مورد بازرسی قرار می‌گرفتند) با اظهارات ناسنجیده برخی مقامات دولتی تشدید گردید. برای نمونه، هیزل بلیرز، وزیر کشور در سال ۲۰۰۵، در اظهارتی گفته بود که مسلمانان باید این واقعیت را بپذیرند که ایست و بازرسی‌های پلیس در مورد آنان بیش از بقیه افراد اجتماع اعمال شود^{۶۰}، هنگامی که در سال ۲۰۰۱ قوانین اولیه مبارزه با تروریسم تصویب شد، حدود ۱۰۰۰ نفر دستگیر شدند و در دسامبر ۲۰۰۶ نیمی از آنها بدون هیچ اتهامی آزاد گشتند.^{۶۱} «مؤسسه روابط نژادی»^{۶۲} اخبار گسترده‌ای را در مورد دستگیری مسلمانان پوشش داد، درحالی‌که در مورد غیرمسلمانان چنین تمرکزی دیده نمی‌شد. تا ژوئیه ۲۰۰۵ و پس از آن، تعداد زیادی از مسلمانان بی‌گناه دستگیر شدند و پس از بازجویی آزاد شدند، بدون اینکه اتهامی قانونی متوجه آنان باشد.

«توطئه تروریستی کشف‌شده»^{۶۳} در ۱۰ آگوست ۲۰۰۶ جلوه‌هایی را از روند روبه‌رشد اسلام‌هراسی در جامعه بریتانیا نمایان ساخت و در پی آن دستگیری‌های گسترده مسلمانان و افزایش اعمال فشار پلیس بر آنان آغاز شد. در روزی که این قانون اعلام شد، بیش از ۲۰ نفر دستگیر شدند که بیشتر مسلمانان پاکستانی بودند و در میان آنها افراد تازه‌مسلمان هم وجود داشتند. پرسش و پاسخ‌های طولانی از مسافران، بررسی شیر خشک کودکان^{۶۴} در فرودگاه‌ها به درخواست مقامات امنیتی آغاز شد که در روزهای پس از آن هم نوعی فضای بی‌اعتمادی و سوءظن در جامعه ایجاد گردید. این فضای بی‌اعتمادی توسط روزنامه‌ها، وب‌نوئیس‌های اینترنتی و رسانه‌ها تشدید شد. در ادامه بحث به بررسی قوانین جدیدی خواهیم پرداخت که با وجود پوشش مبارزه با تروریسم یا پایبندی به اصول مردم‌سالاری، این اصول را نادیده گرفته^{۶۵} و در نتیجه اعمال این قوانین، مسلمانان تحت فشار قرار می‌گیرند.

در ۳۰ مارس سال ۲۰۰۶، پس از ماه‌ها بحث و گفتگو، سرانجام قانون پناهندگی و ملیت^{۶۶} و قانون اوراق هویت^{۶۷} تصویب شد. پیش از آن قانون تروریسم در سال ۲۰۰۰^{۶۸} قانون امنیت و جرایم ضد تروریستی در سال ۲۰۰۱^{۶۹} و قانون مقابله با تروریسم در سال ۲۰۰۵^{۷۰} به تصویب رسیده بود. با تصویب قوانین جدید، ضمن تأیید قوانین قبلی در چارچوب مبارزه با تروریسم، آزادی‌های مدنی محدودتر گردید و تأثیر این قوانین بر جوامع مسلمانان^{۷۱} بسیار شدیدتر از دیگر بخش‌های جامعه بریتانیا بود. برای مثال، در پیمایشی که در مارس ۲۰۰۴ در بریتانیا انجام شد، ۶۴ درصد از مسلمانان بر این باور بودند که از قوانین ضد تروریستی غیرمنصفانه‌ای ضد آنان استفاده می‌شود و تحت تأثیر این قوانین آن‌ها تبدیل به «مظنونان جمعی» شده‌اند (IHF, 2005, p.146).^{۷۲}

در قوانین جدید مبارزه با تروریسم^{۷۳} مواردی وجود دارد که می‌تواند به اسلام‌هراسی ساختمانند و اقدامات تبعیض‌آمیز بیشتر ضد مسلمانان بینجامد:

- اعلام جرم ضد کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تروریسم و فعالیت‌های تروریستی را تشویق یا حمایت کنند.

- اردوگاه‌ها و پایگاه‌های تروریستی در هر نقطه از جهان مورد بررسی و نظارت قرار می‌گیرند و اسناد مربوط به فعالیت‌های تروریستی در سرتاسر دنیا منتشر می‌گردد.

- حداکثر زمان بازداشت بدون مدرک از ۱۴ روز به ۲۸ روز افزایش یافته است.

- گسترده‌تر نمودن دلایلی که بر اساس آن می‌توان از فعالیت سازمان‌هایی که به

طور خاص از تروریسم تقدیر می‌نمایند، جلوگیری کرد.

نکته‌ای که در همه این قوانین حائز اهمیت است، تعریف «تروریسم» است؛ زیرا

بر اساس این تعریف است که پیامدهای آن مشخص می‌گردد. تعریفی که برای

تروریسم آمده، بسیار مبهم و گسترده است که بر اساس آن، هر فعالیت سیاسی می‌تواند

جرم تروریستی تلقی شود.

۲-۲. اسلام‌هراسی ساختمان‌د در عمل

۲-۲-۱. تبعیض در اجرای قانون

ماده ۲۱ قانون مبارزه با تروریسم^{۷۴} به وزارت کشور این اجازه را می‌دهد تا از فعالیت سازمان‌هایی که در اعمال تروریستی یا تشویق و تحریک تروریسم مشارکت دارند، جلوگیری نماید. بر اساس تعریف گسترده تروریسم، دولت می‌تواند از فعالیت بسیاری از سازمان‌هایی که حتی بر اساس قوانین بین‌المللی اجازه فعالیت دارند جلوگیری نماید. مشکل این گونه قوانین دو وجهی است؛ زیرا قانون هم دارای ایراد ماهوی و هم ایراد شکلی است. به عبارتی از یک سو تعریف موسع تروریسم می‌تواند از فعالیت بسیاری از سازمان‌ها جلوگیری کند؛ از سوی دیگر شاهد تبعیض آشکار در اجرای قانون هستیم. برای مثال، گروه «شین فن»^{۷۵} در اوج درگیری‌ها و ناآرامی‌ها در ایرلند شمالی ممنوع‌الفعالیت نگردید درحالی‌که فعالیت حزب التحریر صرفاً به سبب عقاید اسلامی ممنوع اعلام شد.

۲-۲-۲. اقدامات پلیسی و سیاسی ضد مسلمانان

در اینجا به مواردی از نقض حقوق مسلمانان که توسط مراجع قانونی و دولتی صورت گرفته است، اشاره می‌کنیم. هر چند که حکومت بریتانیا اندکی پس از حوادث یازده سپتامبر هر گونه عدم تساهل ضد مسلمانان را محکوم کرد، اما چند عضو دولت با زیر پا گذاشتن این درخواست معتقد بودند که مسلمانان در مقایسه با دیگر اعضای جامعه تعهد کمتری در قبال مردم‌سالاری و عدم خشونت دارند. مثلاً منابع رسانه‌ای در اواخر سال ۲۰۰۳ گزارش دادند که دنیس مک‌شین،^{۷۶} وزیر امور اروپا، از مسلمانان خواسته که بین شیوه بریتانیایی و شیوه تروریستی یکی را انتخاب کنند (Guardian, 2011/05/03).^{۷۷} افزون بر این، گروه‌های مسلمان و طرفدار حقوق بشر از حکومت بریتانیا به سبب اینکه به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، مسلمانان اغلب به عنوان متهم اصلی در مظان اتهام قرار می‌گیرند، انتقاد می‌کنند. پس از یازده سپتامبر بیش از ۶۰۰ نفر بر اساس قانون ضد تروریسم دستگیر شدند بیشتر آنان مسلمان بودند. اما کمتر از ۱۰۰ نفر از دستگیرشدگان به اقدامات تروریستی متهم، و فقط ۱۵ نفر از آنها به این جنایت محکوم شدند، و از این میان فقط ۳ نفر مسلمان بودند (Jaggi, 2004). سازمان‌های

مسلمان و طرفدار آزادی‌های مدنی ابراز نگرانی کرده‌اند که اغلب هنگامی که پاتک پلیس به دستگیری منجر می‌شود رسانه‌ها به پوشش گسترده‌ی خبر می‌پردازند، ولی از آزادی بازداشت‌شدگان خبری پخش نمی‌کنند. در نتیجه این احساس در میان عامه‌ی مردم به وجود می‌آید که دستگاه دادگستری جنایی بریتانیا به صورت موفقیت‌آمیز تروریست‌های مسلمان را تحت پیگرد قرار داده است، حال آنکه در واقع بیشتر مسلمانانی که به بهانه‌های تروریستی دستگیر شده‌اند، هیچ‌گاه بدین جرایم متهم نشدند. در عین حال، شهرت کسانی که به اتهام تروریست بودن به اشتباه دستگیر شده بودند، آسیبی جبران‌ناپذیر دید و آن‌ها و اعضای خانواده‌شان همچنان پس از آنکه از اتهامات مبری شدند و توجه رسانه‌ها کاهش یافت در اشتغال و زندگی اجتماعی با بدنامی روبه‌رو هستند (مرشدی‌زاد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴).^{۷۸} افزون بر این، احساس رو به گسترشی در میان مسلمانان وجود دارد که فقط به سبب مسلمان بودن از سوی پلیس توقیف و بازرسی می‌شوند و حتی در برخی موارد با گزارش به پلیس مشکلات آنان افزایش هم یافته است (Ameli & Merali, 2004, p.33). گزارش شده که حقوقدانان و سازمان‌های نماینده‌ی مسلمانان تعداد روزافزونی شکایت از سوی مردمی دریافت می‌دارند که هیچ‌گاه پیش از آن با قانون مشکلی نداشتند، اما اکنون فقط به علت مسلمان بودن از سوی پلیس در خیابان یا در خودروی خود متوقف می‌شوند و منزل آن‌ها بازرسی می‌شود (IHF, 2006, p.145).

پس از یازده سپتامبر، مسلمانان با ایست و بازرسی‌های فراوان پلیس روبه‌رو گشتند. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ میزان ایست و بازرسی آسیایی‌ها، از جمله سیک‌ها و هندوها و دیگران و مسلمانان، در مجموع از ۴۵/۳ درصد به ۲۸۵ درصد رسید و از فعالیت ۱۶ سازمان اسلامی جلوگیری شد (Poynting & Mason, 2006, p.372). بر طبق آمار رسمی ارائه‌شده در اواسط سال ۲۰۰۴، تعداد آسیایی‌هایی که بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ و ۲۰۰۲-۲۰۰۳ بر اساس لایحه‌ی تروریسم متوقف و بازرسی شده‌اند، ۳۰۰ درصد افزایش یافته است (BBC).^{۷۹} وابستگی دینی کسانی که متوقف شده‌اند ثبت نشده است، اما احتمال می‌رود که از اجتماعات بزرگ پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها و اکثراً مسلمان باشند. درحالی‌که ۱۳ درصد از ایست و بازرسی‌های انجام‌گرفته به دست نیروی عادی

پلیس در سال ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به دستگیری ختم شد، تعداد دستگیری‌های ایست و بازرسی‌های مبتنی بر گمان به تروریسم فقط ۱/۷ درصد بود (Kundanin, 2004).

نشانه‌های زیادی دال بر این مطلب وجود دارد که سیاست‌های ضد تروریسم فعلی باعث نارضایتی گسترده مسلمانان بریتانیا شده است. در پیمایشی که در ماه مارس ۲۰۰۲ انجام شد، ۶۴ درصد از مسلمانان مصاحبه‌شده معتقد بودند که قوانین ضد تروریستی به گونه‌ای غیرمنصفانه در مورد مسلمانان اجرا شده است و ۶۸ درصد با تضمین‌های ارائه‌شده رهبران سیاسی مبنی بر اینکه جنگ با تروریسم جنگ با اسلام نیست موافق نبودند (ICM, 2004). گروه‌های مسلمان همچنین هشدار داده‌اند که سیاست‌های ضد تروریستی کنونی اعتماد مسلمانان را به عملکرد و بی‌طرفی پلیس از بین برده و باعث کاهش تمایل مسلمانان به همکاری با پلیس شده است. چنان‌که سازمان حقوق بشر اسلامی بیان کرده، خانواده مسلمانی که بدون هیچ علت آشکاری متوقف و بازرسی شده‌اند و با آن‌ها بدرفتاری لفظی شده است، اگر متوجه شوند که اتفاقی مشکوک در درون اجتماعات می‌افتد، به پلیس گزارش نخواهند کرد (IHRC, 2004, p.51). برای نمونه، در تحقیقی که توسط دانشگاه اکستر انجام شد، بیشتر مسلمانانی که مورد تبعیض نژادی قرار گرفته بودند، به پلیس گزارش نداده بودند؛ زیرا به آن اطمینان نداشتند یا معتقد بودند که پلیس نمی‌تواند کاری برای آن‌ها انجام دهد^{۸۰} (Githens-Mazer & Lambert, 2010, p.11). این در حالی است که شورای مسلمانان بریتانیا فعالانه کوشیده است برای جلوگیری از تروریسم همکاری میان پلیس و مسلمانان را افزایش دهد. افزون بر این، گروه‌های مسلمان هشدار داده‌اند که سیاست‌های کنونی ممکن است واکنش‌هایی را برانگیزد و مسلمانان معتدل را به دامن گروه‌های افراطی بیندازد که می‌کوشند از احساس محرومیت موجود در اجتماع مسلمانان بهره‌برداری کنند (Bennetto, 2004)؛ زیرا بر اساس تحقیقات انجام‌شده مشخص گردیده که جرائم نفرت نژادی ضد مسلمانان جزو اولویت‌های پلیس در بررسی جرائم نژادی نیست (Githens-Mazer & Lambert, 2010, p.11). در ۳ هفته پس از بمب‌گذاری لندن، جرائم نژادی ضد مسلمانان ۶ برابر شد و بر اساس گزارش مرکز اروپایی کنترل نژادپرستی و بیگانه‌هراسی، میزان جرائم نژادی^{۸۱} در لندن ۵ درصد افزایش یافت و بیش از ۲۰۰

تماس با Merseyside Racial Monitoring در ۶ هفته نخست پس از بمب‌گذاری گرفته شد (EMCRX, 2005, pp.15-9).

در ادامه اشاره‌ای به اقدامات علنی حزب ملی بریتانیا که یک حزب نژادگرای دست راستی است، در زمینه دامن زدن به اسلام‌هراسی خواهیم داشت.

۲-۳. تبعیض ضد مسلمانان در حوزه‌های گوناگون جامعه

بر اساس آمار منتشرشده، مسلمانان در مقایسه با دیگر گروه‌ها در بازار کار وضعیت بدتری دارند. مسلمانان در میان گروه‌های دینی پایین‌ترین نرخ اشتغال را دارند و نرخ بیکاری آن‌ها سه برابر میانگین ملی و دو برابر سطح بیکاری دیگر اجتماعات دینی اقلیت است. به‌علاوه، بیشتر مسلمانان در میان بخش‌های دارای درآمد پایین کشور قرار دارند. دلایل پیچیده‌ای برای این وضع نامطلوب مسلمانان در امر اشتغال وجود دارد، اما از جمله این عوامل سیاست‌های نامناسب کاری و تبعیض در استخدام است (OSI, 2004, pp.8-9).^{۸۲} تحقیقی که بی‌بی‌سی در سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۴ انجام داد نشان می‌دهد مردمی که دارای نام اسلامی‌اند، سه برابر کمتر از دارندگان نام‌های انگلیسی احتمال دعوت به مصاحبه برای یافتن شغل را دارند. افرادی ساختگی به‌عنوان درخواست‌کننده شغل به پنجاه مورد نیاز شغلی فرستاده شدند. درحالی‌که دارندگان نام‌های انگلیسی در ۲۳ درصد از موارد برای مصاحبه دعوت شدند، از دارندگان نام‌های اسلامی، فقط در ۹ درصد موارد دعوت شد (Muir, 2004).

تحلیل‌های مربوط به داده‌های سرشماری و دیگر آمار مربوط نشان داده‌اند که اجتماعات مسلمان در مقایسه با همه گروه‌های دینی کشور بدترین وضعیت بهداشتی، بالاترین میزان ناتوانی و پایین‌ترین سطح آموزش را دارند. مطالعات همچنین نشان داده‌اند که مسلمانان از نظر مسکن نیز در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و اغلب در سکونت‌گاه‌هایی زیر استاندارد و بسیار شلوغ زندگی می‌کنند. در برخی از مکان‌ها، اجتماعات مسلمان جدا از اجتماع اکثریت زندگی می‌کنند و این پدیده‌ای است که حداقل تا حدودی باعث تبعیض در دسترسی به مسکن می‌شود (IHF, 2005, p.148). گزارش شده است که الگوهای مسکن، همراه با سیاست‌های پذیرش در مدارس و

انتخاب‌های والدین، وضعیتی را پدید آورده است که دانش‌آموزان مسلمان اغلب در مدارس درس می‌خوانند که عملاً از دیگران جدا می‌مانند. این جدا افتادن باعث کاهش تعامل میان مسلمانان و جمعیت اکثریت می‌شود و بی‌اعتمادی و سوء تفاهم را میان این دو اجتماع تقویت می‌کند (MRG, p.9).^{۸۳}

گروه‌های مسلمان گزارش داده‌اند که در سال‌های اخیر احساس تبعیض در میان مسلمانان افزایش یافته است. در پیمایشی که کمیسیون حقوق بشر اسلامی انجام داده از مجموع مسلمانانی که در سال ۲۰۰۴ مصاحبه شدند، ۸۰ درصد گفته‌اند که آنان به علت دین خود مورد تبعیض واقع شده‌اند، حال آنکه این رقم ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۰، و ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۹ بوده است. در دو پیمایش نخست زنان و جوانان بیش از دیگر گروه‌های مسلمان تبعیض را تجربه کرده بودند. اما در سال ۲۰۰۴ این سطح در میان همه گروه‌ها تقریباً یکسان بود. کمیسیون حقوق بشر اسلامی معتقد است که علت این امر در افزایش آگاهی مسلمانان از معانی و اشکال تبعیض و نیز تأثیرات افزایش ایست و بازرسی پلیس (در مورد مسلمانان) نهفته است.^{۸۴} (مدیر تحقیقات IHRC).

نتیجه‌گیری

اسلام‌هراسی از جمله مسائلی است که امروزه در بسیاری از کشورهای اروپایی در حال رشد است.^{۸۵} در این پژوهش با تمرکز بر کشور بریتانیا کوشیدیم تا زمینه‌های ظهور نوعی از اسلام‌هراسی که آن را «اسلام‌هراسی ساختمان‌د» خواندیم، بیان کنیم. اسلام‌هراسی به‌ویژه پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و تصویب قوانین ضد تروریسم تشدید شده است و از سطح عمومی و رسانه‌ها به ساختارهای تشکیلاتی و قانونی انتقال یافته و در نهادهای رسمی و دولتی نیز تجلی یافته است. در این نوع از اسلام‌هراسی تبعیض و فشار ضد مسلمانان اعمال می‌شود، بدون اینکه قانون یا مجریان قانون خود را در برابر آن مسئول بدانند یا اقدام مؤثری در جهت رفع آن به عمل آورند. بخشی از آنچه اسلام‌هراسی ساختمان‌د می‌نامیم، در نتیجه ضعف قوانین موجود و تفسیرهایی که از آن به عمل می‌آید و عدم توجه به وضعیت خاص فرهنگی و مذهبی مسلمانان بریتانیا پدید آمده است. از آنجاکه تجلی این نوع از اسلام‌هراسی در سطوح قانونی و ساختارهای

دولتی است، گسترش روزافزون آن تأثیرات منفی بر وضعیت زندگی مسلمانان و جامعه بریتانیا خواهد داشت و اسلام‌هراسی ساختمان‌دو را می‌توان یکی از معضلات جدی پیش روی مسلمانان بریتانیا دانست. از پیامدهای طبیعی این شکل از اسلام‌هراسی این است که علاوه بر مسلمانان، جامعه غیرمسلمان بریتانیا را هم متأثر می‌کند و در نتیجه، علاوه بر کم شدن میزان همبستگی اجتماعی و ایجاد حس بی‌اعتمادی، زمینه برای گسترش افکار نژادگرایانه^{۸۶} و افراطی فراهم می‌شود.

در این شرایط اظهار نظرهای رسمی و غیررسمی اسلام‌هراسانه برخی مسئولان بریتانیایی به سخت‌تر شدن شرایط قانونی و سازمانی برای مسلمانان و تشدید اسلام‌هراسی ساختمان‌دو انجامیده است. سوءاستفاده رسانه‌ها و بزرگ‌نمایی‌های آن‌ها از برخی اقدامات افراطی‌ها مسلمان در اروپا نیز از جمله عواملی است که به گسترش اسلام‌هراسی و در نتیجه تشدید اسلام‌هراسی ساختمان‌دو در سطوح رسمی کشور بریتانیا دامن زده است.

یادداشت‌ها

۱. سه نام «پادشاهی متحده»، «بریتانیای کبیر» و «انگلستان» گاه به اشتباه به معنای واحدی به کار می‌روند، درحالی‌که این سه هر کدام نام منطقه جغرافیایی خاصی است. انگلستان یکی از چهار کشوری است که پادشاهی متحده را تشکیل می‌دهند. بریتانیای کبیر نام کشور انگلستان، ایرلند شمالی، اسکاتلند و ولز است. در این مقاله برای اختصار از لفظ بریتانیا استفاده شده است.

۲. این مطلب هنگامی نمایان‌تر می‌شود که آزادی‌های مسلمانان در بریتانیا با آزادی‌های مسلمانان در فرانسه یا آلمان مقایسه شود. مسلمانان این کشورها در عمل با مشکلات و موانع زیادی برای اتخاذ سبک زندگی مطلوب خود روبه‌رو هستند و به انحای گوناگون در معرض تبعیض و نارواداری قرار دارند.

۳. هرچند دیدگاه‌هایی در مخالفت با این نظریه وجود دارد (گرهلم و لیتمن، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

۴. در مورد آگاهی بیشتر در این زمینه رک. شریعت، ۱۳۸۹، صص ۶۱-۸۴.

۵. برای آگاهی از برخی از این تحقیقات رک. Allen, 2006, p.52.

۶. این مطلب با بررسی ۱۰۴ نظرسنجی که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ انجام شده است، به تأیید می‌رسد. برای آگاهی از جزئیات بیشتر رک. Field, 2007, p.465.

7. structural Islamophobia

۸. مراد از قوانین مذکور قوانین داخلی بریتانیا و قوانین و اصولی است که بریتانیا از لحاظ بین‌المللی به آن متعهد است، نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

۹. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر استفاده از این واژه به میزان چشمگیری افزایش یافته است.

۱۰. مؤسسه «رانی مدتراست» هشت برداشت را دربارهٔ اسلام‌هراسی برمی‌شمرد. برای اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه شود:

www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf- accessed in: 2010/11/27

11. xenophobia

12. anti-semitism

13. Stokely Carmichael

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Racism>

۱۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

Aspen Institute Roundtable on Community Change. 2004. "Structural Racism and Community Building." Keith Lawrence, Stacey Sutton, Anne Kubisch, Gretchen Susi and Karen Fulbright-Anderson, authors. Washington, D.C.: The Aspen Institute.

۱۵. این مقاله به بررسی سطح ۴ - یعنی اسلام‌هراسی ساختمانند- پرداخته است.

16. barbaric ideas

17. http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4689363.stm- accessed in : 2010/07/18

18. British Nationality Act

۱۹. برای اطلاع از متن کامل این قانون به این منبع رجوع شود:

<http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.htm>- accessed in : 2010/07/18

20. Common Wealth Immigrants Act

21. Enoch Powell

۲۲. سخنرانی پاول در بیستم آوریل ۱۹۶۸ ایراد شده بود. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌ها و زندگی وی به این منبع رجوع شود:

<http://www.enochpowell.net/>- accessed in : 2010/07/18

۲۳. در وب‌گاه ملی مرکز آمار بریتانیا در بحث سرشماری و جمعیت، تقسیم‌بندی بر این اساس است: نژاد سفید (بریتانیایی) و نژاد غیرسفید (آسیایی، چینی، مختلط، دیگر).

۲۴. با گذشت زمان (و در سال‌های اخیر) شاهد هستیم که این نگاه هم دچار تغییر شده و گفتمان نژادگرایی بر روی مذهب و به‌خصوص اسلام و مسلمانان متمرکز گشته است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. Abbas, 2007, pp.288-9

25. Race Relations Act

۲۶. متن کامل این قانون در منبع زیر موجود است:

<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents-> accessed in:2011/06/26

27. Commission for Racial Equality

کمیسیون برابری نژادی، سازمانی غیردولتی و برخوردار از کمک‌های عمومی است که با انجام تحقیقات رسمی در موارد ادعای تبعیض، بر اجرای قانون منع تبعیض نژادی نظارت دارد. این کمیسیون همچنین می‌تواند پیشنهادهای ارائه دهد که البته الزام‌آور نیست. برای اطلاعات بیشتر در مورد این کمیسیون به این منبع رجوع شود:

www.cre.gov.uk/about/about.html accessed in:2011/07/26

۲۸. درحالی‌که در مورد ایرلند شمالی، بر اساس قانون Northern Ireland Act 1998 هرگونه تبعیض در زمینه‌های مذهبی و سیاسی ممنوع شده است و به نظر می‌رسد قانون تنها در مورد ایرلند شمالی توانسته از تبعیض مذهبی جلوگیری کند.

۲۹. قانون روابط نژادی بریتانیا از حقوق اقلیت‌هایی مانند یهودیان و سیک‌ها حمایت می‌کند؛ زیرا آنان در قانون مذکور با عنوان "اقلیت‌های نژادی" دسته‌بندی شده‌اند، اما در مقابل مسلمانان چون از نژادهای مختلف هستند، سکوت اختیار نموده است.

۳۰. برای مثال، برای برگزاری نماز، یک اتاق و یا گوشه‌ای از محل کار برای آنان کافی بود و به فکر تأسیس مسجد نبودند.

31. Home Office

32. Derby Report

۳۳. اولین نماینده مسلمانان در مجلس لردها

34. Human Rights Act 1998

35. The Universal Declaration of Human Rights (UDHR) – in: <http://www.un.org/en/documents/udhr/index.shtml>- accessed in: 2010/09/14

36. The International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>- accessed in: 2010/09/14

37. The International Covenant on Economic , Social and Cultural Rights (ICESCR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>- accessed in: 2010/09/14.

38. The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)- in: <http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>- accessed in: 2010/09/14

39. European Convention on Human Rights (ECHR)
In: <http://www.echr.coe.int/echr/>- accessed in: 2011/01/14

40. European Convention on Human Rights (ECHR)-article 14
In: <http://conventions.coe.int/treaty/en/Treaties/Html/005.htm>- accessed in: 2011/01/14

۴۱ فقط مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۷ کنوانسیون مستثنی شده است و دولت‌ها حق ندارند در هیچ وضعیتی از انجام تعهدات داده‌شده در این بندها، سر باز زنند.

۴۲. البته به این مطلب اذعان داریم که اعلام شرایط خاص و اضطراری به‌سادگی نیست و تحت وضعیت و شرایط خاص این امر صورت می‌گیرد، ولی از آنجاکه بحث ما بررسی نظری این کنوانسیون است، اشاره به این مطالب ضروری به نظر می‌رسد.

۴۳. در ادامه بحث نشان می‌دهیم که دولتمردان بریتانیایی با تصویب قوانین ضد تروریسم و بهره‌گیری از همین ماده ۱۵، از تعهدات خود در ماده ۱۴ سر باز می‌زنند.

۴۴. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، برای تضمین اجرا و رعایت تعهداتی که دولت‌های عضو به عهده گرفته‌اند، علاوه بر دادگاه اروپایی حقوق بشر، یک نهاد نظارتی و اجرایی دیگر به نام کمیسیون اروپایی حقوق بشر را نیز تأسیس کرده است. کمیسیون اروپایی حقوق بشر به تعداد دولت‌های عضو کنوانسیون، عضو دارد.

از مهم‌ترین وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون اروپایی حقوق بشر رسیدگی به شکایات خصوصی است که طبق ماده ۲۵ کنوانسیون، هر فرد، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد، که مدعی‌اند قربانی نقض حقوق بشر موضوع کنوانسیون از سوی یکی از دولت‌های عضو شده‌اند، می‌توانند از طریق دبیر کل شورای اروپا، شکوائیه خود را به کمیسیون تحویل دهند. البته دولت‌ها باید پیش از آن، صلاحیت کمیسیون برای دریافت شکایت افراد ضد خود را به رسمیت شناخته باشند (بند ۱ ماده ۲۵ از کمیسیون اروپایی حقوق بشر)، (دهقانی، ۱۳۸۲، صص ۱۹۵-۲۰۹).

۴۵. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به‌منظور ایجاد یک سازوکار اجرایی برای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، دادگاه اروپایی حقوق بشر را تأسیس کرد که در آن افراد و دولت‌ها بدون توجه به ملیت، در صورت نقض شدن حقوق مورد حمایت کنوانسیون، می‌توانند به آن مراجعه و دادخواهی کنند. احکام این

دادگاه برای تمام طرفینی که کنوانسیون را پذیرفته‌اند، اجباری است. دادگاه اروپایی حقوق بشر از قضات کشورهای عضو کنوانسیون تشکیل شده است (European Commission: 5).

46. The Islamic Human Rights Commission

کمیسیون حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۹۷ در لندن تأسیس شده و یک سازمان غیرانتفاعی است که در جهت حمایت از حقوق مسلمانان و ترویج افکار اسلامی در بریتانیا فعالیت می‌کند. برای اطلاعات بیشتر در مورد این سازمان به وب‌گاه آن مراجعه شود:

<http://www.ihrc.org/>

47. Adeeba Ishaq : LLB LLM, Solicitor of the Supreme Court of England, October 1997.

۴۸. کمیسیون حقوق بشر، موارد را قبل از اینکه دادگاه اروپایی حقوق بشر ارجاع داده شوند، بررسی می‌کند که آیا صلاحیت بررسی در دادگاه را دارند یا خیر و اینکه موضوع در کمیسیون حقوق بشر مطرح گردد یا نه، توسط دادگاه حقوق بشر، مقرر می‌گردد.

۴۹. البته به این مطلب که اقدامات افراطی‌های مسلمان و برخی مشکلات داخلی جهان اسلام، در این جریان اثرگذار بوده‌اند، اذعان داریم اما با توجه به اینکه تمرکز بحث ما در مورد اقدامات دولتی و سازمانی بریتانیاست، این موارد ذکر شده است.

50. Kundnanin

51. "Community Cohesion"

۵۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک. Kundnanin, 2001.

53. European Convention on Human Rights , Article 5.

بر اساس ماده ۵، حق آزادی و امنیت شخصی، منع بازداشت شخصی جز به علت قانونی و به وسیله مقامات با صلاحیت، اعلام علت بازداشت و تحویل سریع به مقامات قضایی، حق اعتراض به بازداشت غیرقانونی به دادگاه، حق مطالبه خسارت در صورت غیرقانونی بودن بازداشت؛ به رسمیت شناخته شده و دولت بریتانیا به آن متعهد است.

۵۴. ماده ۱۵ حق انصراف یا در واقع خودداری از اجرای حقوق مندرج در کنوانسیون است که دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری که حیات ملت را تهدید می‌کند، می‌توانند از آن استفاده نمایند.

۵۵. تصویب قانون ضد تروریسم و جنایت، ۲ ماه پس از یازده سپتامبر.

۵۶. برای نمونه می‌توان به عمر بکری محمد امام جماعت مسجد لندن و ابو حمزه از سازمان المهاجرون اشاره کرد.

۵۷. برای نمونه مراجعه شود به:

[http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists-](http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists)
accessed in: 2010/04/09

58. enemy within

۵۹. برای مثال، رسانه‌ها از دستگیری مسلمانان به عنوان مظنونان به اعمال تروریستی گزارش‌های گسترده‌ای پخش می‌کنند اما از آزاد شدن و متهم نبودن آن‌ها گزارشی پخش نمی‌کنند و یا به طور ضمنی و کمرنگ به آن می‌پردازند.

۶۰. به نقل از:

accessed in: 2010/04/09 -<http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html>

۶۱. ارائه تصویر دقیق برای اثبات این مسائل بسیار مشکل است؛ زیرا اطلاعات کافی در این زمینه در دست نیست.

62. The Institute of Race Relations

<http://www.irr.org.uk/> آدرس وب‌گاه این مؤسسه:

۶۳. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک.

Foiled Terrorist Plot In: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/4778575.stm>- accessed in: 2010/04/09

۶۴. مادران را مجبور به چشیدن شیرخشک می‌کردند.

۶۵. برای نمونه به این منبع مراجعه شود (Poynting, 2006: 374).

66. Asylum and Nationality Act (2006).

67. Identity Cards Act (2006).

68. Terrorism Act (2000).

69. Anti Terrorism Crime and Security (2001).

70. Prevention of Terrorism Act (2005)

۷۱. علت اینکه در اینجا اصطلاح «جوامع مسلمانان» به کار برده شده به این سبب است که مسلمانان بریتانیا یکدست نیستند و از ملیت، قومیت و گرایش‌های مختلفی تشکیل شده‌اند و از این رو، شاید به کار بردن اصطلاح "جامعه مسلمانان" دارای دقت نباشد.

72. Report by the International Helsinki Federation for Human Rights (IHF), 2005, *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU, Developments since September 11*

۷۳. اطلاعات کامل در مورد این قانون در این منبع قابل دسترسی است:

http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism_Act_2006- accessed in: 2010/02/12

74. Terrorism Act 2006 , part two , section 3 , p:19

75. Sinn Fein

76. Denis MacShane

اطلاعات بیشتر راجع به "مکشین" در سایت رسمی وی موجود است:

<http://www.denismacshane.com/>

77. <http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>- accessed in: 2011/05/03

۷۸. با استناد به منبع زیر:

Submission to the Home Office in response to Discussion Paper, Counter- IHRC, terrorism powers: Reconciling Security and Liberty in an Open Society, p:45-

In: www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf- accessed in: 2011/01/18

79. Muslim anger over stop and search -bbc- july 2, 2004- in: http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3860505.stm

۸۰. مسئله عدم گزارش مسلمانان به مقامات دولتی یکی از معضلات مهمی است که جامعه مسلمانان با آن روبه‌رو هستند و همین امر ارزیابی صحیح وسعت و شدت جریان اسلام‌هراسی را مشکل می‌سازد.

81. hate crimes

82. OSI, Aspirations and Reality: British Muslims and the Labor Market, p.8-9.

In : http://www.soros.org/initiatives/home/articles_publications/publications/aspirations_20040722/british_muslims.pdf- accessed in: 2011/01/18

83. MRG, Muslims in Britain, p. 9 ; OSI, Monitoring the EU Accession Process: Minority Protection. The Situation of Muslim in the UK, p.364, 392-393

۸۴. اطلاعات ارائه شده از آرزو مرالی (مدیر تحقیقات IHRC) به IHF در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴؛ برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به :

IHRC, Social Discrimination : Across the Muslim Divide, December 16,2004

In : http://www.ihrc.org.uk/file/1903718287_content.pdf- accessed in: 2010/11/08

۸۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه کنید:

مرشدی زاد، علی . غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۸۶). اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و

عوامل، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۶، صفحه ۱۱۳-۱۳۹.

۸۶. برای مطالعه بیشتر در مورد تعریف مفاهیم نژاد و نژادگرایی به این منبع مراجعه شود :

Les Back and John Solomos, eds. (2003), *Theories of race and racism: a reader*, London :Routledge, pp. 64-70.

کتابنامه

- شریعت، فرشاد (۱۳۸۹)، «لیبرالیسم، سکولاریسم و غرب جدید»، دانش سیاسی، سال ششم، بهار و تابستان.
- خطیبی، زهره (۱۳۸۶)، «نگاهی به سیاست‌های کلی اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر»، پژوهشنامه حقوق بشر، شماره اول.
- دهقانی، رضا (۱۳۸۲)، کتاب اروپا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- گرهلم، توماس و لیتمن، جرج (۱۳۷۸)، حضور نوین اسلام در اروپای غربی، مترجم محمد قالیباف خراسانی، تهران: الهدی.
- لوئیس، برنارد و دومینیک اشناپر (۱۳۷۶)، مسلمانان در اروپا، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۸)، تبعیض و ناشکیبایی ضد مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از یازده سپتامبر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- همو و غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۸۶)، «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل»، دانش سیاسی، سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶.
- منصوری، محمد (۱۳۸۶)، مسلمانان اروپا و امریکا، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضوع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.

- Abbas, Tahir (2007), "Muslim Minorities in Britain: Integration, Multiculturalism and Radicalism in the Post-7/7 Period," *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 28, No. 3, August 2007.
- Adolino, Jessica R. (1998), *Ethnic Minorities, Electoral Politics and Political Integration in Britain*, London: Printer.
- Allen, Chris (2006), *Secularization and Religious Divides in Europe*, GSRL-Paris and Harvard University, Submission to the Changing Landscape of Citizenship and Security 6th PCRD of European Commission.
- Ameli, Saied R. and Arzu Merali (2004), *Dual Citizenship: British, Islamic or Both? Obligation, Recognition, Respect and Belonging*, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-26-6.

- Ameli, Saied R. (2007), *The British Media and Muslim Representation: The Ideology of Demonisation*, England: Islamic Human Rights Commission.
- Ansari, Fahad (2006), *British Anti-Terrorism: A Modern Day Witch-hunt*, Islamic Human Rights Commission, ISBN 1-903718-36-8
- Back, Les and John Solomos, (2003), *Theories of Race and Racism : A Reader*, London : Routledge.
- Bennetto, Jason (2004), "Crackdown by Police is Driving Muslims to Extremists," *The Independent*, February 2, In: <http://www.independent.co.uk/news/uk/crime/crackdown-by-police-is-driving-muslims-to-extremists-568574.html>
- Cashmore, Ellis (2008), *Encyclopedia of race and ethnic studies*, London: routledge.
- EMCRX (2005), "The Impact of 7 July 2005 London Bomb Attacks on Muslim Communities in the EU," *European Monitoring Centre on Racism and Xenophobia (EMCRX)*, Nov. 2005 : [/http://eumc.eu.int/eumc/material/pub/London/London-Bomb-attacks.pdf](http://eumc.eu.int/eumc/material/pub/London/London-Bomb-attacks.pdf).
- Field, Clive D. (2007), "Islamophobia in Contemporary Britain: The Evidence of the Opinion Polls, 1988-2006," *Islam and Christian-Muslim Relation*, Vol. 18, No: 4.
- Fetzer Joel S. and J. Christopher Soper (2005), *Muslims and the State in Britain, France, and Germany*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Geddes, Andrew (2002), *Labour's Second Landslide: The British General Election 2001*, Manchester: Manchester University Press.
- Githens-Mazer, Jonathan, and Robert Lambert (2010), *Islamophobia and Anti-Muslim Hate Crime : a London Case Study*, University of Exeter, European Muslim Research Centre.
- IHRC (2004), *Submission to the Home Office in response to Discussion Paper " Counter-terrorism powers: Reconciling Security and Liberty in an Open Society," Islamic Human Rights Commission*, In: www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf
- ICM Research, Muslim Poll– March 2004, at: <http://www.icmresearch.co.uk/>
- IHF (2005), *Intolerance and Discrimination against Muslims in the EU: Developments since September 11*, Report by the International Helsinki Federation for Human Rights (IHF).
- "Islamophobia" (2006), *Oxford English Dictionary*, Oxford University Press.

- Jaggi, Rohit (2004), "Police Gain Extra Time to Question Suspect", *Financial Times*, August 9, 2004- At : <http://www.ft.com/cms/2fa428e8-e984-11d8-b556-00000e2511c8.html>
- Johnson, M. R. D., H Soydan, and C. Williams (1998), *Social Work and Minorities: European Perspectives*, London and New York: Routledge.
- Joppke, Christian (1998), "Why liberal states accept unwanted immigration," *World Politics* Vol. 50, No. 2.
- kundanin, Arun (2004), "Analysis : The War on Terror Leads to Racial Profiling", *Independent Race and Refugee News Network* , July 7 , 2004.
- Kundanin, Arun (2001), "From Oldham to Bradford: The Violence of the Violated," in: *The Three faces of British Racism*, London: Institute of Race Relations.
- Malik , Nadeem (2000), *The East London Central Mosque: Organizing in Action*, Leicester, UK: Islamic Foundation.
- Marranci, Gabriele (2004), Multiculturalism, Islam and The Clash of Civilization Theory: Rethinking Islamophobia, *Culture and Religion*, Vol. 5, No 1, 2004.
- Modood, Tariq (1997), *Ethnic Minorities In Britain*, London: PSI.
- Money, Slamic(1999), *Fences and Neighbors : The Political Geography or Immigration Control*, New York: Cornell university press.
- Muir, Hugh (2004), "Muslim Names Harm Job Chances," *The Guardian*, July 12, 2004 , in : <http://www.voy.com/126349/155.html>
- OSI (2002), Aspirations and Reality: British Muslims and the Labor Market, Minority Protection in the UK: The Situation of Muslims, Open Society Institute (OSI), In:

http://www.soros.org/initiatives/home/articles_publications/publications/aspirations_20040722/british_muslims.pdf
- Poynting, Scott and Victoria Mason (2006), "Tolerance, Freedom, Justice and Peace: Britain, Australia and Anti-Muslim Racism since 11 September 2001," *Journal of Intercultural Studies*, Vol. 27, No. 4.
- Ramadan, Tariq (1999), *Muslims in France: The Way Towards Coexistence*, Leicester, UK: Islamic Foundation.
- Roald, Anne Sofie (2004), *NewMuslims in the European Context: The Experience of Scandinavian Converts*, Leiden: Brill.

Spencer, Ian (1997), *British Immigration Policy since 1939: The Making of a Multi-Racial Britain*, London: Routledge.

Weller, P, A. Feldman, and K. Purdam (2004), "Muslims and Religious Discrimination in England and Wales," In: Jamal Malik (ed.), *Muslims in Europe: From the Margin to the Centre*, Munster: LIT.

منابع اینترنتی

<http://conventions.coe.int/treaty/en/Treaties/Html/005.htm>

http://en.wikipedia.org/wiki/Terrorism_Act_2006

<http://en.wikipedia.org/wiki/Racism>

<http://news.bbc.co.uk/2/hi/4778575.stm>

http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/3860505.stm

http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4689363.stm

http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/4100481.stm

http://www.dailytimes.com.pk/default.asp?page=story_3-7-2004

<http://www.dailymail.co.uk/news/article-339768/Minister-Muslims-accept-stop-search-tactic.html>

<http://www.denismacshane.com/>

<http://www.echr.coe.int/echr>

<http://www.enochpowell.net/>

<http://www.independent.co.uk/news/uk/crime/crackdown-by-police-is-driving-muslims-to-extremists-568574.html>

<http://www.ihrc.org/>

<http://www.irr.org.uk/>

<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=2960>

<http://www.guardian.co.uk/racism/Story/0,624352,00.html>

<http://www.guardian.co.uk/politics/2005/oct/13/terrorism.world>

<http://www.guardian.co.uk/world/2003/nov/21/september11.usa>

<http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1976/74/contents>

<http://www.metro.co.uk/news/854615-britain-seen-as-safe-haven-for-terrorists>

<http://www.parliament.uk/biographies/alexander-carlile/26889>

<http://www.parliament.uk/biographies/leonard-hoffmann/26998>

<http://www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf>

<http://www.uniset.ca/naty/BNA1948.htm>

<http://www.un.org/en/documents/udhr/index.shtml>

<http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>

<http://www2.ohchr.org/english/law/cescr.htm>

www.ihrc.org.uk/file/HomeOfficeSubmissionFinal.pdf

www.cre.gov.uk/about/about.html